

عبارات کلیدی برای کنفرانس ممزوج کننده روز یادبود ۲۰۲۴

ما باید دریابیم که هر چیزی که طی می کنیم
فقط یک مقصود دارد -

اینکه حیات خدا از طریق ما رها شده و در ما ابراز شود؛
باشد که انسان بیرونی ما شکسته شود به حدی که
انسان درونی بتواند رها و ابراز شود؛
این نفیس است، و این راه خادمان خداوند است.

ماندن در خداوند، یک روح بودن با اوست،
و دعا‌های مؤثر، حاصل از
ماندن ما در خداوند و ماندن کلام او در ما است.

مسرت ما از مسیح به عنوان جریان حیات برای این است که ما
برزگران، کاشتگران، آبیاری کنندگان، مولود کنندگان،
خوراک دهندگان، و بناکنندگان با خدمتگزاری حیات
برای بنای ارگانیک شگرف خدا، خانه شوکتمند خدا، باشیم.

ما همه چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می نگریم و بازتاب می کنیم،
از جلال تا جلال به همان صورت دگرگون می شویم.

رئوس مطالب پیام ها
برای کنفرانس ممزوج کننده روز یادبود
۲۷-۲۴ مه، ۲۰۲۴

موضوع کلی: زندگی مسیحی

پیام یک

اهمیت نهادی زندگی مسیحی

خواندن متون مقدس: یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ ۲: ۱۰؛ ۴: ۶-۷

۱. زندگی مسیحی، زندگی زیستن مسیح است؛ زیستن ما باید مسیح باشد، و راه زیستن مسیح، عاشق مسیح بودن است - فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱؛ غلاطیان ۲: ۲۰:

آ. ما می‌توانیم مسیح را با عشق بی‌نهایت به مسیح زیست کنیم. اگر عاشق مسیح نباشیم، نمی‌توانیم او را زیست کنیم، و عاشق او بودن، بهترین راه برای تمرکز تمام وجودمان بر اوست - ۲: ۱۴؛ ۱: ۱۴؛ ۴: ۱۹؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱؛ مرقس ۱۲: ۳۰؛ مکاشفه ۲: ۴-۵؛ یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ ۲۱: ۱۷-۱۵؛ ۱: ۱۶؛ ۲: ۲۲.

ب. عشق به خدا بدین معناست که تمام وجودمان - روح، روان و بدن را با قلب، روان، ذهن، و قوت (مرقس ۱۲: ۳۰) - به طور مطلق بر او قرار دهیم، یعنی اجازه دهیم تمام وجودمان توسط او اشغال شده و در او گم شود، تا او همه چیز برای ما شود و ما عملاً در زندگی روزانه خود با او یک باشیم.

پ. وقتی که عاشقش هستیم، «روح همه چیز حتی عمق‌های خدا را نیز تفحص می‌کند» (۱: ۱۰). کلمه یونانی برای «تفحص [جستجو] می‌کند» در اشاره به تحقیق فعالانه استفاده می‌شود، که به معنای دانش دقیق است که نه با کشف کردن بلکه با کاوش کردن به دست می‌آید. روح خدا اعماق خدا را در مورد مسیح کاوش می‌کند و آنها را در روحمان برای درک و شرکت کردن ما، به ما نشان می‌دهد.

ت. زیستن زندگی مسیحی، عشق به عیسی پسر خداست تا ما مورد عشق پدر و پسر قرار بگیریم و از ظاهر شدن پسر به ما و دیدار آنها با ما، جهت ساختن منزلی مشترک با ما، مسرت ببریم - یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳.

ث. زندگی مسیحی، زندگی عشق به خدا و عشق به یکدیگر با خود خدا به عنوان عشقمان است؛ مسیح در این دنیا یک زندگی از خدا به عنوان عشق را زیست، و او اکنون حیات ماست تا ما همان زندگی عشق را در این دنیا زیست کنیم و در سفر خدمتگزاری او جهت جوییدن گمشده و نجات دادن گناهکار، مثل او باشیم - ۱: ۱۹-۱۶؛ لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷؛ ۱۰: ۱۰؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۱؛ ر. ک. غلاطیان ۵: ۱۳-۱۵.

۲. زیستن زندگی مسیحی، انجام همه کارها در شخص مسیح، در چهره مسیح است - ۲: ۱۰؛ ۴: ۶-۷:

آ. کلمه یونانی برای «حضور [شخص]» به طور تحت‌اللفظی «چهره» است، مانند ۴: ۶. آن به قسمت اطراف چشم اشاره دارد، نگاهی که به عنوان شاخص افکار و احساسات درونی است، که کل شخص را نشان داده و ظاهر می‌کند.

ب. پولس رسول، که الگویی برای ایمانداران بود (۱ تیموتائوس ۱: ۱۶)، کسی بود که در حضور مسیح، برطبق شاخص کل شخص او [مسیح] که در چشمانش ابراز می‌شود، زندگی و عمل می‌کرد.

پ. هرگاه قلبمان به سوی خداوند می‌چرخد، نقاب [حجاب، پرده] از قلب ما برداشته می‌شود و می‌توانیم خداوند جلال را با چهره‌ای بی‌نقاب بنگریم. در واقع، قلب رویگردان ما، آن نقاب است.

یک چهره بی نقاب، قلبی بی نقاب برای نگرستن جلال خدا در چهره عیسی مسیح است - ۲ قرنیتان ۳: ۱۶، ۱۸؛ ۴: ۶-۷؛ ۱ سموئیل ۱۶: ۷؛ افسسیان ۱: ۱۸.آ.

ت. جلال خدا، در چهره مسیح است، و چهره او، شخص او، آن گنجینه ساکن در درون روحمان است - ۲ قرنیتان ۴: ۶-۷؛ ۱ پطرس ۳: ۴.

ث. ما ظروف خاکی هستیم که بی ارزش و شکننده می باشیم، ولی در درون روحمان حاوی گنجینه ای نفیس، چهره، شخص خود مسیح هستیم (۲ قرنیتان ۲: ۱۰؛ ۴: ۶). در کل عالم هیچ چیز به اندازه نگرستن بر چهره عیسی، نفیس نیست (پیدایش ۳۲: ۳۰؛ خروج ۲۵: ۳۰؛ ۳۳: ۱۱، ۱۴؛ مزامیر ۲۷: ۴؛ ۸؛ مکاشفه ۲۲: ۴):

۱. فقط وقتی که در حضور او زندگی کرده، به شاخص وجود او نگاه می کنیم، حس خواهیم کرد که او برای ما چنین گنجینه ای است. اگر مشکلی داریم، فقط باید به او بگوییم؛ او درست در درون ماست، و او در رو با ماست - فیلیپیان ۴: ۶.

۲. دیدن خدا مساوی است با کسب کردن خدا، که عبارت است از دریافت خدا در عنصرش در ما، تا ما را دگرگون کند (ایوب ۴۲: ۵-۶؛ متی ۵: ۸). همان خدایی که امروز او را نگاه می کنیم، آن روح تکمیل شده است، و ما می توانیم در روحمان او را نگاه کنیم تا غنای خدا را در وجودمان جذب کنیم و روز به روز تحت دگرگونی الهی باشیم (۲ قرنیتان ۳: ۱۸؛ متی ۱۴: ۲۲-۲۳، کولسیان ۴: ۲).

ج. همانطور که قلب خود را در روحمان به سوی خداوند می چرخانیم تا رو در رو بر او بنگریم و او را به درون دیگران بدرخشانیم (اشعیا ۶۰: ۱، ۵)، در فرآیند تبدیل شدن به صورت پرجلال او هستیم تا به روزی که «مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید» - دوم قرنیتان ۳: ۱۸-۴؛ ۱ یوحنا ۳: ۲؛ مکاشفه ۲۲: ۴.

۳. زیستن زندگی مسیحی، گام برداشتن به شایستگی آن فراخوانی است که به آن خوانده شده ایم - افسسیان ۴: ۱-۴:

آ. مورد اول از گام برداشتن [رفتار] شایسته فراخوانی [دعوت] خدا، سعی کردن برای نگاه داشتن یگانگی روح به عنوان واقعیت بدن مسیح است که با فضایل انسانی دگرگون شده، توسط [صفات الهی] و با صفات الهی تقویت می شوند - آ.آ. ۴-۱:

۱. در روح عیسای جلال یافته، انسانیت دگرگون شده عیسی وجود دارد. نوشیدن از آن یک روح و جاری کردن آن برای آن یک بدن، نوشیدن و جاری کردن روح عیسای انسان است، [یعنی] نوشیدن و جاری کردن انسانیت عیسی با فضایل انسانی به طور الهی غنی شده اوست، که شامل افتاده دلی، حلم، و شکیبایی برای تحمل یکدیگر در عشق است - یوحنا ۷: ۳۷-۳۹؛ ۱ قرنیتان ۱۲: ۱۳؛ اعمال ۱۶: ۷؛ افسسیان ۴: ۲-۳.

۲. اگر نام خداوند را بخوانیم و از او تغذیه کنیم، از عیسی به عنوان یک انسان مسرت می بریم، و تمام فضایل انسانیت رفعت یافته او، در روح عیسی، برای به عمل آوردن زندگی کلیسای بازیابی شده در روح واقعیت به عنوان واقعیت بدن مسیح، از آن ما خواهد بود - ۱ قرنیتان ۱: ۱۰؛ ۳-۴؛ ۱۷؛ ۱۲: ۳ب، ۱۳؛ ۱۶: ۱۳؛ افسسیان ۴: ۳-۴.آ.

ب. مورد دوم از گام برداشتن شایسته فراخوانی خدا، رشد ما در مسیح سر در همه امور است - آ.آ. ۱۵-۱۶:

۱. برای اینکه در مسیح در همه امور برای بناسازی بدن او رشد کنیم، باید از مسیح به عنوان جایگزین شامل تمام و عالمی خود جهت تولید آن یک انسان نو مسرت ببریم، پس باید «از او [او را] بشنوید» و «عیسی تنها» را ببینیم - مرقس ۹: ۷-۸.

۲. هر چیز یا هر کس که مسیح نباشد را خدا «اخراج» می کند. خدا همه چیز در اقتصاد عهد قدیمش را با مسیح جایگزین کرده است - ۱: ۱-۸؛ متی ۱۷: ۳-۵؛ کولسیان ۲: ۱۶-۱۷؛ عبرانیان ۱۰: ۵-۱۱؛ ۱۱: ۵-۶؛ ر.ک. اشعیا ۲۲: ۲۰-۲۵.

۳. وقتی خدا ما را آفرید، ما را «استخدام کرد». وقتی او ما را بر صلیب گذاشت و با مسیح مصلوب کرد، ما را «اخراج کرد». وقتی او ما را همراه با مسیح رستخیز نمود، ما را توسط ساختمان به عنوان گونه ای جدید از خدا-انسان ها، اختراع جدیدی از خدا به عنوان شاهکار جمعی او، «دوباره استخدام کرد»، ما را به قصد اصلی خود یعنی آفرینش ما برای جلال او، ابراز جمعی او، بازگرداند - پیدایش ۱: ۲۶؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ افسسیان ۲: ۶، ۱۰، ۱۵؛ اشعیا ۴۳: ۷.

پ. مورد سوم از گام برداشتن شایسته فراخوانی خدا این است که مسیح را به عنوان واقعی که در عیسی است بیاموزیم - افسسیان ۴: ۲۰-۲۴:

۱. «راستی [واقعیت که] در عیسی است» اشاره دارد به وضعیت حقیقی زندگی عیسی همانطور که در آن چهار انجیل ثبت شده است؛ عیسی زندگی ای داشت که در آن همه کار را در خدا، با خدا و برای خدا انجام می داد؛ خدا در زیستن او بود، و او با خدا یک بود - آ.آ. ۲۰-۲۱.

۲. او در زندگی خود بر روی زمین، الگوی را برپا کرد، همانطور که در آن چهار انجیل آشکار شده است؛ او سپس مصلوب شد و رستخیز کرد تا روح حیات بخش شود و در ما وارد شود تا حیات ما باشد؛ ما طبق مثال او، نه با حیات طبیعی خود بلکه با او به عنوان حیاطمان در رستخیز، از او می آموزیم - ۱ قرن تیان ۱۵: ۴۵ب؛ کولسیان ۳: ۴.

۳. همانطور که عاشق خداوند هستیم، با او تماس می گیریم، و به او دعا می کنیم، به طور خودکار او را بر طبق قالب، شکل، الگوی توصیف شده در انجیل زیست می کنیم. ما از این طریق شکل گرفته، همشکل صورت این قالب می شویم - این همان معنای مسیح را آموختن است - متی ۱۱: ۲۹؛ رومیان ۸: ۲۹.

ت. مورد چهارم از گام برداشتن شایسته فراخوانی خدا، زیستن ما در عشق و نور است - افسسیان ۵: ۲، ۸:

۱. ما باید شریک طبیعت الهی بوده، از آن مسرت ببریم (۲ پطرس ۱: ۴). طبیعت الهی، آنچه خدا هست است - خدا روح است (یوحنا ۴: ۲۴)، خدا عشق است (۱ یوحنا ۴: ۸، ۱۶)، و خدا نور است (۱: ۵). روح، طبیعت شخص خداست، عشق، طبیعت جوهر خداست، و نور، طبیعت ابراز خداست.

۲. ما همه باید یک زمان شخصی کافی را با خداوند صرف کنیم که در روحمان با او به طور خصوصی مشارکت نماییم تا بتوانیم از جوهر محبت آمیز او پر شویم تا او از طریق ما دیگران را شبانی کند که بتوانیم از عنصر درخشان او پر شویم تا دیگران او را در ما ببینند - یوحنا ۴: ۲۴؛ لوقا ۱۵: ۲۰؛ متی ۵: ۱۵-۱۶.

ث. مورد پنجم از گام برداشتن شایسته فراخوانی خدا، زیستن ما توسط پر شدن در روح برای لبریز شدن از مسیح است - افسسیان ۵: ۱۸:

۱. سخن گفتن، سراییدن، مزبور خواندن، شکرگزاری از خدا، و تسلیم کردن خود به یکدیگر در ترس از مسیح، نه تنها برون ریزی پر شدن در روح بلکه راه پر شدن در روح است - آ.آ. ۱۹-۲۱.

۲. پر شدن در روح، پر شدن از غنای مسیح برای تبدیل شدن به پری مسیح، لبریز شدن مسیح، است؛ با خواندن خداوند و دعا-خوانی کلام او، ما می توانیم مدام او را به عنوان فیض از پی فیض دریافت کنیم تا پری او، لبریز شدن او، شویم - ۳: ۸؛ ۱: ۲۳؛ ۳: ۱۹ب؛ رومیان ۱۰: ۱۲-۱۳؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ یوحنا ۱: ۱۶.

۴. زیستن زندگی مسیحی این است که تأدیب روح القدس را بپذیریم:

آ. خدای خواهد توسط اینکه ما تأدیب [انضباط] روح القدس را بپذیریم، که به معنای خالی کردن [ریخته شدن] ما، توسط خدا، از ظرفی به ظرف دیگر برای رفع دُردها، ته نشین های انسان بیرونی طبیعی ما است، طعم ما را بگیرد و رایحه ما را تغییر دهد تا وقتی که طعم خالص مسیح را داشته باشیم و عطر خالص مسیح را پخش کنیم - ارمیا ۴۸: ۱۱؛ ۲ قرن تیان ۲: ۱۴-۱۵؛ غزل غزلها ۴: ۱۶؛ ۲ پادشاهان ۴: ۸-۹:

۱. «پدر روح‌ها» ما را از طریق آزمایش‌ها و توبیخ، تأدیب می‌کند «تا شریک قدوسیت او گردیم» - عبرانیان ۱۲: ۴-۱۳.
۲. کسانی که هرگز آزمایش‌ها و توبیخ را طی نکرده‌اند، از ظرفی به ظرف دیگر ریخته نشده‌اند؛ از این رو، طعم دُردها، ته نشین‌ها، رسوبات خلق و خوی طبیعی آنها، انسان بیرونی آنها، خود آنها، در درونشان باقی مانده و رایحهٔ آنها تغییر نکرده است - ارمیا ۴۸: ۱۱؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غزل غزلها ۴: ۱۶.
- ب. مریم ظرفی مرمزین از یک پوند عطر سنبل خالص بسیار گرانبها داشت؛ وقتی ظرف را شکست و بر روی خداوند ریخت، «خانه از بوی عطر پر شد» - یوحنا ۱۲: ۲-۳؛ مرقس ۱۴: ۳؛ ر.ک. غزل غزلها ۱: ۱۲.
- پ. ظرف مرمزین نشانگر انسان بیرونی ماست، که باید شکسته شود تا انسان درونی بتواند نمایان شود. خداوند در ما و بر ما از راه‌های مختلف متعدد به منظور شکستن ظرف خاکی، ظرف مرمزین، پوستهٔ بیرونی، کار می‌کند - ۲ قرن‌تیا ۴: ۷؛ یوحنا ۱۲: ۳، ۲۴؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹.
- ت. ما آنچه به طور طبیعی هستیم هیچ معنی نمی‌دهد؛ فقط آنچه را که روح در وجودمان می‌سازد حساب می‌شود. تأدیب روح القدس خلق و خوی طبیعی و عادات ما را نابود می‌کند و ساختار روح القدس در بلوغ و شیرینی را به ارمغان می‌آورد؛ خدا به همه چیز در محیط ما دستور می‌دهد که آنچه ما به طور طبیعی هستیم را متلاشی کند تا او در ما خلق و خوی جدیدی شکل دهد، منش جدید، و صفات جدید - یوحنا ۳: ۶؛ ۲ قرن‌تیا ۵: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۱۵.
- ث. دو دلیل اصلی برای شکسته نشدن وجود دارد:
 ۱. یک شخص شکسته نمی‌شود زیرا در تاریکی زندگی می‌کند؛ در تمام اتفاقاتی که برای او می‌افتد، او تمام تقصیرها را به گردن افراد دیگر یا محیط می‌اندازد. او هیچ مکاشفه‌ای از دست خدا ندارد و اینکه خدا آن کسی است که به او رسیدگی می‌کند - ر.ک. ایوب ۱۰: ۱۳؛ افسسیان ۳: ۹.
 ۲. یک شخص شکسته نمی‌شود زیرا بیش از حد خود را دوست دارد؛ باید از خدا بخواهیم که عشق به خود را از ما دور کند. همهٔ سوء تفاهم‌ها و نارضایتی‌ها فقط از یک امر ناشی می‌شوند - عشق پنهانی به خود.
- ج. ما باید دریابیم که هر چیزی که طی می‌کنیم فقط یک مقصود دارد - اینکه حیات خدا از طریق ما رها شده و در ما ابراز شود. باشد که انسان بیرونی ما شکسته شود به حدی که انسان درونی بتواند رها و ابراز گردد؛ این ارزشمند است، و این راه خادمان خداوند است - یوحنا ۱۲: ۲۴-۲۶؛ ۲ قرن‌تیا ۴: ۱۲.

مشارکت در مورد

شکسته شدن انسان بیرونی برای رهایی روح و ابراز خدا

باید بدانیم چرا خدا ما را در دنیا قرار داده است. او ما را در دنیا قرار داده است تا حضور ما باعث ایجاد گرسنگی و تشنگی برای عدالت در گناهکاران، ایمانداران، و دنیا شود. در کارمان، ما باید در درون دیگران ایجاد گرسنگی کنیم. باید یک طراوت، قدرت، تغذیه و تأمین معمایی درون ما باشد که دیگران را توسط حضور ما به جستجوی خدا سوق دهد. دیگران باید در نتیجهٔ ملاقات و صحبت با ما، مایل به جستجوی خدا باشند. اگر همیشه دیگران را ببینیم و با آنها مکالمه کنیم بدون ایجاد تمایل در درون آنها به خدا، یعنی شکست خورده ایم. اگر خواندن کتاب مقدس، دعا، خدمت، و بشارت انجیل توسط ما، چنین گرسنگی نیرومندی را در انسان ایجاد نمی‌کند، کار ما شکست خورده است (مجموعه آثار واچمن نی).

دوم پادشاهان ۴، شرح استقبال زن شونامی از ایشع را به ما می‌دهد. کتاب مقدس می‌گوید که «روزی ایشع به شونام رفت و در آنجا زنی سرشناس به اصرار او را به طعام فرا خواند، از آن پس هرگاه ایشع از

آنجا می گذشت، برای صرف طعام در آن خانه توقف می کرد. پس آن زن به شوهر خود گفت: اینک فهمیده ام که این مرد مقدس خداست که همیشه از نزد ما می گذرد» (آ.آ. ۸-۹). اِلیشع از شونیم عبور کرد. او نه یک پیام داد و نه یک معجزه کرد. او هرگاه از آنجا می گذشت، توقف کرده و در آنجا غذا می خورد. آن زن او را به خاطر نحوه غذا خوردنش مرد خدا معرفی کرد. این اثری بود که اِلیشع بر دیگران می گذاشت. امروز باید از خود پرسیم: «اثری که بر دیگران می گذاریم چیست؟ آنچه که از ما صادر می شود چیست؟» بارها گفته ایم که انسان بیرونی باید شکسته شود. اگر انسان بیرونی شکسته نشده است، اثری که دیگران از ما دریافت می کنند چیزی جز انسان بیرونی نخواهد بود. هر بار با دیگران تماس می گیریم، ممکن است به آنها احساس ناخوشایندی بدهیم که خود دوست، لجباز و مغرور هستیم. یا ممکن است بر آنها این اثر را بگذاریم که باهوش و فوق العاده سخنور هستیم. شاید بر دیگران اثر به اصطلاح خوبی بگذاریم. ولی آیا این اثر خدا را راضی می کند؟ آیا نیاز کلیسا را رفع می کند؟ خدا راضی نمی شود، و کلیسا نیازی به اثرات به اصطلاح خوب ما ندارد.

...اگر انسان بیرونی شکسته نشود، روح ما رها نمی شود، و اثری که بر دیگران می گذاریم، اثری از روح نخواهد بود.

...آنچه بر دیگران اثر می گذارد، قوی ترین نقاطی است که در خودمان داریم (واچمن نی).